

پیکرت بی سر مثل گل پرپر
باورش سخت است باورش سخت است
بر گلوی تو بوسه ی خنجر
باورش سخت است باورش سخت است

ای سر تو سایه ی روح الامین
از تبار رحمه للعالمین
جای یک بوسه نداری در بدن
پاره ی قلب امیر المومنین!
گودی مقتل شد تو را بستر
باورش سخت است

تشنه بودی با سپاهی رو برو
خون تو داده به دنیا آبرو
گریه می خواهد چو ابر از آسمان
بغض سنگینی که دارم در گلو
کو علمدارت؟ کو علی اکبر
باورش سخت است

آسمان هم شد سیه پوشت حسین
می کنم کی من فراموشت حسین
آرزوی هر شهیدی بوده است
تا سپارد جان در آغوشت حسین
از همین آغوش پر زده اصغر
باورش سخت است

مانده ای گل رنگ و بوی تو هنوز
می چکد خون از گلوی تو هنوز
شد قیامت در حرم از یک خبر
دیده ها خیره به سوی تو هنوز
ای غم یعقوب یوسف بی سر
باورش سخت است

جان به قربانت که جان عالم است
سهم من ،سهم تو از دنیا غم است
دیده ام داغی که پیغمبر ندید
زخم خورده بر دلم بی مرهم است
از همه داغت بوده سنگین تر
باورش سخت است

ای قرار من ندانسته چرا؟
جز همین یک قافله قدر تورا
پیکرت پنهان شد از چشمم اگر
می دمد فردا سرت از نیزه ها
هم تو می دانی هم دل خواهر
باورش سخت است

یک جهان غم در دلم جا داده ام
خاطراتم را به فردا داده ام
من به آتش می سپارم ناله ام
اشک چشمم را به دریا داده ام
ای غمت آتش زیر خاکستر
باورش سخت است

قطره ی خون تو باران می شود
موج بی ساحل که طوفان می شود
از همین خون ای خلیل بت شکن
خانه ی نمرود ویران می شود
با تو می مانم تا دم آخر
باورش سخت است